

دو فصلنامه علمی تخصصی پژوهش در آموزش ابتدایی

سال سوم، شماره ۵، بهار و تابستان ۱۴۰۰. صفحات: ۷۶-۸۹

تجربه زیسته معلمان دوره ابتدایی از دلایل افزایش خشونت علیه معلمان^۱

ثریا قادرپور

نیلوفر مرتضی نژاد*

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی ارومیه، ارومیه، ایران

^۲ استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی ارومیه، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول)

Email: n.mortezanezhad@iaurmia.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تجربه زیسته معلمان دوره ابتدایی از دلایل افزایش خشونت علیه معلمان است. این تحقیق به روش کیفی با رویکرد پدیدارشناسی انجام پذیرفت. جامعه آماری این پژوهش کلیه معلمان دوره ابتدایی استان آذربایجان غربی در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ بوده و نمونه گیری به صورت هدفمند تا زمان اشباع داده ها و حاصل نشدن کد جدید در مصاحبه ها ادامه یافت؛ در این پژوهش در مجموع با ۲۰ معلم مصاحبه شد. برای تحلیل داده های پژوهش از تحلیل مصاحبه ها به روش اسمیت استفاده شد. درباره خشونت اولیا نسبت به معلمان، ۴ مقوله (کد اصلی به دست آمد، که عبارتند از: خشونت ناشی از نقص سیاست گذاری، فقر منزلتی، شرایط خانوادگی و عوامل حرفه ای. از لحاظ دلایل خشونت دانش آموزان علیه معلمان، ۵ مقوله اصلی به دست آمد که عبارتند از: خشونت ناشی از نقص سیاست گذاری، تجربه خشونت فیزیکی، فقر منزلتی، شرایط خانوادگی و عوامل حرفه ای. همچنین برای دلایل خشونت سایر افراد جامعه علیه معلمان ۴ مقوله اصلی حاصل شد که عبارتند از: خشونت ناشی از نقص سیاست گذاری، فقر منزلتی، عوامل حرفه ای و نقش رسانه های جمعی.

اطلاعات مقاله

دریافت: ۱۷ مردادماه ۱۳۹۹

پذیرش: ۱۰ بهمن ماه ۱۳۹۹

واژگان کلیدی:

خشونت، معلم، تجربه زیسته

Journal of Research in Elementary Education

Volume 2, Issue 4, Fall and Winter 2020-2021, Pages:.....

Lived Experience of Elementary Teachers on the Reasons of Increasing Violence against Teachers

Soraya Qaderpour*

Niloufar Mortazanejad**

¹ MA Student of Curriculum Development, Islamic Azad University of Urmia, Urmia, Iran

² Assistant Professor of Educational Sciences Department, Islamic Azad University of Urmia, Urmia, Iran (Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Received: 7 August 2020

Accepted: 29 January 2021

Keywords:

Lived Experience, Teachers, Violence

ABSTRACT

The purpose of the present study is the study of elementary teachers' lived experience in academic year 2018-2019 on the reasons of the violence against them. The research method was qualitative with phenomenological approach. The statistical population included all elementary teachers of West Azerbaijan province, among them a sample of 20 subjects were selected purposefully and interviewed to reach data saturation. Data analysis of interviews was performed through Smith method. Results showed that the violence against teachers by students' parents were of four major themes, namely, violence due to policy deficiency, status poverty, family conditions and professional factors. The violence of students against teachers was of five main themes including: violence due to policy deficiency, experience of physical violence, status poverty, family conditions and professional factors. The violence of other members of society against teachers was of four major themes: violence due to policy deficiency, status and dignity destitution, professional factors and the role of social media.

^۱ مقاله از پایان نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی در سیدانشگاه آزاد اسلامی، واحد ارومیه با همین عنوان استخراج شده است.

مقدمه

خشم یکی از هیجان‌های پیچیده انسانی و واکنشی متداول نسبت به ناکامی و بدرفتاری است. واژه‌های خشم^۱، خشونت^۲، پرخاش و پرخاشگری^۳ اگرچه در برخی منابع به‌طور مترادف و هم‌معنی در نظر گرفته شده‌اند، اما مفاهیمی با معنای روان‌شناختی و اجتماعی متفاوت هستند. پرخاشگری رفتاری است که با عمل حمله‌کردن و به مقابله رفتن شاخصی شود و با رفتار امتناع از جنگیدن یا گریختن از مشکلات متضاد است (Dadsetan, 2011). در تعریفی دیگر پرخاشگری عبارت است از هرگونه رفتار قابل‌مشاهده‌ای که به‌قصد آسیب‌رسانی باشد (Delvecchio & Olivery, 2004). به عبارت دیگر، پرخاشگری ارتکاب هرگونه رفتار کلامی و غیر کلامی است که به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم به‌قصد آزار جسمی و روانی دیگران صورت می‌گیرد. بر اساس این تعریف، خشونت که آمار آن در دنیا هشداردهنده است، تنها بخشی از پرخاشگری است که هدف آن ایجاد آسیب‌های جسمی به دیگران است (Moher, 2018). از میان بسیاری از رفتارهای خودکنترلی که فرد باید در طول زندگی بیاموزد، شاید هیچ‌یک به‌اندازه پرخاشگری اهمیت نداشته باشد، زیرا عدم توانایی در کنترل پرخاشگری باعث تحمیل هزینه‌های بسیاری بر فرد، در موقعیت‌های مختلف زندگی می‌شود (Joireman, Anderson, & Stathman, Connor, 2012). پرخاشگری را به‌عنوان واکنش خشم‌نا سازگار و غیرمعمول به خطر واقعی یا تصور شده تعریف می‌کند.

پرخاشگری و خشونت زمانی روی می‌دهد که تعادل بین تکانه‌ها و کنترل درونی درهم می‌شکند. هرگونه شرایطی که افزایش تکانه‌های پرخاشگری را در زمینه کاهش کنترل فراهم سازد ممکن است منجر به بروز خشونت شود و به هرگونه اقدام پرخاشگرانه از نوع بدنی، اجتماعی، اقتصادی و روانی که فرد در جهت پیشبرد امیال و خواست‌های خود، بدون توجه به تمایل و خواسته‌های دیگری استفاده کند، خشونت گفته می‌شود (Kouhestani, et al, 2012). تعاریف خشونت با توجه به محیط‌ها و فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. سازمان بهداشت جهانی^۴، خشونت را به‌عنوان استفاده عمدی از نیروی فیزیکی و یا قدرت، تهدید بر علیه خود، شخص دیگر و یا بر علیه گروه یا جامعه که می‌تواند به احتمال زیاد به جراحت، مرگ یا آسیب روانی، رشد بد و ناصحیح و یا محرومیت منجر شود تعریف می‌کند (The World Health Organization, 2016).

اعمال خشونت‌آمیز عمدتاً به شکل کلامی و اغلب در مدارس دارای اقلیت‌های قومی از مناطق حاشیه‌ای رخ می‌دهد (Jigău, Liiceanu & Preuteasa, 2016). بازدید از مدارس راهنمایی و دبیرستان‌های اغلب کشورهای دنیا، نمایانگر صحنه‌هایی از خشونت دانش‌آموزان نسبت به یکدیگر است. برخی پژوهش‌های جهانی از جمله بلومارت (Blomar, 2017) هم نشان می‌دهد که اعمال خشونت حتی میان دانش‌آموزان دوره ابتدایی رایج است مانند مانتنو و مانتن (Munteanu & Muntean, 2012) گزارش کرده‌اند که در ۹۰ درصد موارد، این دانش‌آموزان هستند که خشونت کلامی را آغاز می‌کنند و بعد از دانش‌آموزان، شاهد خشونت کلامی در والدین و کارکنان مدرسه هستیم. در مدرسه همواره دانش‌آموزانی هستند که بنا بر دلایل متفاوت مانند قدرت‌طلبی، خشونت و پرخاشگری، همدل نبودن، مهارت نداشتن در درک احساس دیگران، با رفتار نامطلوب خود، دانش‌آموزانی را که از نظر جسمانی یا ویژگی‌های شخصیتی ضعیف‌تر هستند تحت سلطه خود در می‌آورند و با رفتارهایی مانند

1. Anger

2. Violence

3. Aggression

4. The World Health Organization (WHO)

دعوا، تحقیر، هُل دادن و کتک زدن، آنان را وادار به پیروی از خواسته‌های خود می‌کنند (Bazargan, Sadeqi & Lavasani, 2012).

در پژوهشی یاری قلی و همکاران (Yari-Gholi, et al, 2017) با عنوان «ادراک معلمان از پیامدهای خشونت و راهکارهای کاهش آندر مدارس» پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که پیامدهای خشونت در مدارس را می‌توان در دو مضمون کلی مربوط به دانش‌آموزان، معلمان و راهکارهای کاهش خشونت در مدارس را در چهار مضمون کلی مربوط به مسئولان آموزش- و پرورش، معلمان، دانش‌آموزان و متولیان فرهنگ جامعه دسته‌بندی کرد. نتیجه پژوهش در بخش پیامدهای خشونت، حاکی از این بود که خشونت گذشته از ناکارآمدی در تدریس و خدشه‌دار شدن شخصیت اجتماعی و ارتباطی معلمان، در دانش‌آموزان نیز سبب پیدایش افت یا ترک تحصیلی، عوارض روانی و اجتماعی می‌شود. در بخش راهکارها نیز نتیجه پژوهش، تأکید وافر بر تغییر نگرش‌ها در معلمان، از طریق برگزاری کلاس‌های آموزشی، همکاری رسانه‌ها و نیز اصلاح مقررات انضباطی ناکارآمد دارد؛ ضمن اینکه علت‌یابی خشونت به‌عنوان کلید اصلی حل این معضل معرفی شد. بازرگان و همکاران (Bazargan et al, 2012) با پژوهش درباره وضعیت خشونت کلامی نتیجه گرفتند که در مدارس راهنمایی، خشونت گفتاری دانش‌آموزان نسبت به یکدیگر و حتی از سوی معلمان و سایر بزرگسالان نسبت به دانش‌آموزان، فراوانی بالایی دارد.

نتایج پژوهش بازرگان و همکاران (Bazargan, et al, 2012) درباره خشونت بدنی دانش‌آموزان در مدارس راهنمایی شهر تهران، حاکی از وجود خشونت دانش‌آموزان، معلمان و در برخی موارد کارکنان غیر آموزشی نسبت به دانش‌آموزان بوده و نکته دیگر اینکه خشونت بدنی در مدارس سپسرانه بیشتر از مدارس دخترانه گزارش شده است. گئورگ (George, 2019) در پژوهشی با عنوان «توصیف خشونت علیه معلمان؛ یک مطالعه پدیدارشناسانه» به بررسی تجارب زیسته معلمان، از خشونت در مدارس از جانب دانش‌آموزان می‌پردازد. یافته‌های پژوهش وی، راهکار کاهش خشونت دانش‌آموزان بر معلمان را، در درجه اول منوط به‌اولیای دانش‌آموزان می‌داند که می‌توانند با آموزش احترام به معلمان و یادآوری قوانین انضباطی در مدارس، به کاهش خشونت در مدارس کمک کنند. در درجه دوم، مسئولان ادارات آموزش و پرورش و مدیران مجتمع‌های آموزشی می‌توانند با وضع قوانین و مقررات جامع، تصمیم‌های درستی در ارتباط با موارد انضباطی اتخاذ کنند.

گئورگ و همکاران (Granero, et al, 2011) طی پژوهشی به بررسی خشونت در میان دانش‌آموزان هفتم، هشتم و نهم و نوزده تا سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ پرداختند. آن‌ها پیامدهای خشونت در میان نوجوانان در مدارس را، به صورت افتتاحیلی شدید، غیبت‌های مکرر از مدرسه، فحاشی نسبت به معلمان و والدین، عوارض روانی، اختلال در تغذیه و گرایش به مصرف ماری‌جوآنا عنوان کردند. نتایج پژوهش بلومارت (Blomart, 2017) در کشور بلژیک بیانگر آن است که خشونت و پرخاشگری دانش‌آموزان نه تنها در مدارس متوسطه بلکه در مدارس ابتدایی نیز متداول است.

اهمیت مطالعه عمیق تجارب معلمان در مورد پیامدهای خشونت و راهکارهای مقابله با آن، به دلیل تجارب و ادراک آن‌ها در اثر مواجهه مداوم با موقعیت‌های دنیای واقعی است. بیان احساسات و تجارب آنان در زمینه پیامدها و راهکارهای خشونت در مدارس، جهت‌کاربردی شدن پژوهش‌های مربوط بسیار مهم و ضروری به نظر می‌رسد. یکی از مؤلفان پژوهش حاضر خود معلم است و طی چند سال اخیر، چندین بار شاهد خشونت علیه همکاران خود، به صورت فیزیکی و به صورت کلامی بوده است و از طرفی مطالعه در ادبیات پژوهش گویای نبود پژوهش‌های موصوف تجربه زیسته خشونت در مدارس از دیدگاه معلمان و در ابعاد گسترده‌تر و فراتر از سطح دانش‌آموزان است. اهمیت مطالعه عمیق تجارب معلمان در مورد خشونت علیه معلمان، بیان تجربه آنان در زمینه علل و راهکارهای خشونت در مدارس، بسیار مهم و ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا پیشینه نظری بسیار محدودی

در این زمینه وجود دارد و به لحاظ عملی نیز پژوهشی که به واکاوی این مسئله پرداخته باشد در دسترس نیست و تحقیقات پیشین در رابطه با خشونت در مدارس، صرفاً به خشونت علیه دانش آموزان که البته آن نیز به نوبه خود موضوعی بسیار حساس و مهم است، پرداخته و از خشونت‌هایی که علیه معلمان روا می‌گردد، غافل مانده‌اند. نتایج به دست آمده از اطلاعات این پژوهش می‌تواند مورد استفاده معلمان، مدیران، اولیا دانش آموزان، کارشناسان و برنامه‌ریزان درسی قرار گیرد و با ریشه‌یابی مشکل حاضر، راهکارهایی برای درمان این معضل برای گروه‌های مختلف ذی‌نفع ارائه شود؛ از این رو، در پژوهش حاضر تلاش بر آن است تجربه معلمان در مورد پیامدهای خشونت در مدارس و راهکارهای کاهش آن بررسی کنیم تا درهای جدیدی برای کنترل و کاهش این عارضه در مدارس باز شود. این پژوهش به دنبال آن است که با بررسی تجربه زیسته معلمان دوره ابتدایی از دلایل افزایش خشونت علیه معلمان، به این سؤال اساسی پاسخ دهد که تجربه زیسته معلمان دوره ابتدایی از دلایل افزایش خشونت علیه معلمان (از سوی اولیا، دانش آموزان و سایر اعضای جامعه) کدامند؟

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق، به لحاظ هدف، کاربردیو با توجه به هدف تحقیق که به بررسی تجربه زیسته معلمان دوره ابتدایی از دلایل افزایش خشونت علیه معلمان می‌پردازد، در قالب روش کیفی با رویکرد پدیدارشناسانه انجام پذیرفته است. جامعه آماری این پژوهش را، کلیه معلمان دوره ابتدایی استان آذربایجان غربی، در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ تشکیل می‌دهند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش مبتنی بر هدف بوده و به منظور تحقق اهداف پژوهش، نمونه‌گیری قصدی (غیر احتمالی) و ملاکی بر مبنای آن صورت گرفت؛ زیرا لازم بود افرادی مورد مطالعه قرار گیرند که پدیده مورد نظر را تجربه کرده باشند. معیار انتخاب شرکت‌کنندگان در تحقیق، معلمانی‌اند که حداقل ده سال سابقه کار در آموزش و پرورش داشته و شاهد نمونه‌هایی از خشونت علیه معلمان در دوران خدمت خود بوده باشند. معلمان از اهداف و دامنه پژوهش به طور کامل و دقیق اطلاع داشته، حضور در پژوهش داوطلبانه بوده و محرمانه بودن اطلاعات مربوط به مصاحبه‌شوندگان، از سوی پژوهشگر تضمین گردید. نمونه‌گیری تا زمان اشباع داده‌ها و عدم حصول کد جدید در مصاحبه‌ها ادامه یافت؛ در این پژوهش در مجموع با ۲۰ معلم مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام پذیرفت.

گال و بورگ (Gall, Borg & Gall, 2012) برای پژوهش‌های کیفی، معیارهای اعتبار را معادل رواییدرونی؛ انتقال رامعادل روایی بیرونی؛ اعتماد رامعادل پایایی؛ و تأیید رامعادل عینیت در پژوهش‌های کمی می‌دانند. آن‌ها علاوه بر این معیارها، معیار اصالت را به عنوان یکی از معیارها برای ارزشیابی پژوهش‌های کیفی تلقی می‌کنند (Nouri & MehrMohamadi, 2011). با توجه به اینکه در این پژوهش فرایند کدگذاری را سه پژوهشگر مختلف انجام دادند، نزدیکی کدهای حاصل از نتایج کدگذاری، مبنای اعتماد بالای یافته‌های تحقیق است.

برای تحلیل داده‌های پژوهش از روش اسمیت (۱۹۹۵) استفاده شد. بدین صورت که پس از گردآوری داده‌ها، هر مصاحبه به صورت مجزا، و چندینبار مرور شد؛ به گونه‌ای که متن کامل مصاحبه‌ها بر روی کاغذ آورده شد و کلیه مصاحبه‌ها به صورت خط به خط، کدگذاری اساسی شناسایی گشت. پس از کدگذاری، تم‌هایی که مشخص‌کننده هر یک از بخش‌های متن بود، تعیین و یک برجسب یا عنوان به آن تعلق گرفت. سپس، عناوین مشترک در یک خوشه اصلی دسته‌بندی شد تا به تجزیه و تحلیل داده‌ها و به تم‌های استخراج شده، سازمان داده شود. در مرحله بعد، یک جدول خلاصه‌سازی از تم‌های سازمان‌دهی شده تهیه و نقل قول‌هایی که نشانگر هر یک از تم‌ها بودند و نیز سایر نقل‌قول‌ها از متن مصاحبه استخراج و در جدول جاگذاری شد. جهت تلفیق داده‌ها یک جدول خلاصه‌سازی برای اولین شرکت‌کننده تهیه و در تجزیه و تحلیل‌مورد‌های بعدی از آن استفاده

شد. در نتیجه تم‌ها به صورت پیش‌رونده و در طول زمان تلفیق شده و این کار با تجزیه و تحلیل آخرین دست‌نوشته به پایان رسید- (Gall, et al, 2012).

یافته‌های پژوهش

سؤال اول پژوهش: تجربه زیسته معلمان دوره ابتدایی از دلایل افزایش خشونت اولیا علیه معلمان چیست؟

در مرحله اول کدهای به دست آمده از مصاحبه در جدول (۱) تحت عنوان کدگذاری باز آورده شده است.

جدول (۱): کدگذاری باز تجربه زیسته معلمان درباره دلایل افزایش خشونت اولیا علیه معلمان

مشارکت‌کننده ۱	فقر فرهنگی والدین؛ دیدگاه منفی والدین نسبت به حسن تدریس و عملکرد معلمان؛ جستجوی مقصر برای ضعف‌ها و ناکامی‌های خود از سوی والدین؛ تصور معلم به عنوان عامل اصلی ضعف فرزند خود؛ بی‌تجربه و غیربازده دانستن معلم؛ قدرناشناسی؛ حقوق‌ناچیز معلمان؛ احترام نگذاشتن به جایگاه و شایستگی معلم؛ دیدگاه منفی نسبت به شخص معلم؛
مشارکت‌کننده ۲	خشونت علیه همکاران فرهنگی؛ بی‌احترامی و هتک حرمت نسبت به فرهنگیان؛ فقر فرهنگی والدین؛ برخورد تند والدین در مقابل دریافت کمک‌های مردمی؛
مشارکت‌کننده ۳	فقر فرهنگی والدین؛ برخورد فیزیکی والدین با معلمان؛
مشارکت‌کننده ۴	آگاه نبودن اولیا از قوانین و مقررات آموزش و پرورش؛ کوتاهی مدرسه در اطلاع‌رسانی دقیق و شفاف مسائل به والدین؛ حاضر نبودن والدین در جلسات و کارگاه‌های آموزشی- توجیهی مدارس؛ وجود نداشتن قوانین روشن و شفاف مخصوص در مورد تخلفات دانش‌آموزان؛ حساس نبودن معلم نسبت به وضعیت درسی و تربیتی دانش‌آموزان؛ ناآشنا بودن معلمان نسبت به قوانین و مقررات و تخلفات اداری؛ نداشتن اطلاع کافی و دقیق معلمان در مورد روان‌شناسی رفتاری دانش‌آموزان کلاس خود؛
مشارکت‌کننده ۵	فقر فرهنگی؛ بی‌سوادی والدین؛ طلاق والدین؛ دوزبانه بودن اولیا؛ فقر رفتار اجتماعی اولیا؛ شاغل شدن بیشتر مادران؛ سن بالای اولیا؛ آسیب‌های اجتماعی والدین؛ تهاجم فرهنگی؛ افسردگی؛ آلودگی هوا؛ گرانی؛
مشارکت‌کننده ۶	تضعیف جایگاه معلم؛ نبودن قانون حمایتی از معلم؛ نبود فرهنگ احترام به معلم؛
مشارکت‌کننده ۷	پیاده‌سازی الگوهای آموزش و پرورش کشورهای پیشرفته؛ مطابقت نداشتن وضعیت اجتماعی و فرهنگی؛ فقر فرهنگی؛ جدی نگرفتن دوره ابتدایی به علت نظام توصیفی؛ حمایت نکردن مسئولان وزارت آموزش و پرورش از معلمان؛
مشارکت‌کننده ۸	بی‌سوادی اولیا یا پایین بودن سطح سواد اولیا؛ ساده و بی‌ارزش جلوه دادن کار معلم از طرف اولیا و جامعه؛ حمایت نکردن وزارت آموزش و پرورش از معلمان؛ وضعیت نامناسب خانواده‌ها به لحاظ اقتصادی؛ وضعیت نامناسب معلمان به لحاظ اقتصادی؛ ناتوانی معلم در اداره کلاس به دلیل کمبود فضای فیزیکی مدرسه و کلاس؛ ناتوانی معلم در اداره کلاس به دلیل کمبود میز و نیمکت و نبود آزمایشگاه و کارگاه؛ عقده‌گشایی؛
مشارکت‌کننده ۹	پایین بودن سطح سواد اولیا؛ فرهنگ خانواده؛ وضعیت طبقه اقتصادی خانواده؛ طبقه اقتصادی فرهنگیان؛ ناهماهنگی بین مدرسه و خانه؛ آشنا نبودن اولیا به شرح وظایف خود و مربیان؛ مشکلات خانوادگی و عقده‌گشایی‌ها؛ معلم شدن اولیا؛
مشارکت‌کننده ۱۰	حساسیت بیشتر بر فرزندان به دلیل تک‌فرزندگی؛
مشارکت‌کننده ۱۱	آگاهی کم اولیا از کلاس و مدرسه؛ ارتباط کم و محدود اولیا با کلاس و مدرسه؛ سواد کم اولیا؛ راضی نبودن از تدریس معلمان؛ حضور نداشتن اولیا در جلسات؛
مشارکت‌کننده ۱۲	کم‌ارزشی نقش معلم؛
مشارکت‌کننده ۱۳	حمایت‌ناچیز اداره از معلم؛
مشارکت‌کننده ۱۴	آگاه نبودن اولیا از مقام و منزلت معلم و ارزش‌تعلیم و تربیت؛ برخوردار نبودن معلمان از ثروت و مکتب دنیایی؛ پشتیبانی نکردن وزارت آموزش و پرورش از معلمان؛
مشارکت‌کننده ۱۵	خداشه‌دار شدن شخصیت اجتماعی و ارتباطی معلمان؛ ناکارآمدی رسانه‌ها؛ همکاری نکردن رسانه‌ها در اطلاع‌رسانی درست نسبت به این شغل؛ ایجاد مقررات انضباطی ناکارآمد؛ آگاه نبودن اولیا از دانش‌آموزان و معلمان؛
مشارکت‌کننده ۱۶	عوامل شخصی؛ عوامل خانوادگی؛ عوامل اجتماعی؛

مشارکت کننده ۱۷	درک نادرست از توانمندی‌ها و استعدادهاى فرزندان؛
مشارکت کننده ۱۸	توقع بیش از حد اولیا از معلم؛ دوزبانه بودن دانش آموز؛ اختلافات مذهبی؛
مشارکت کننده ۱۹	حمایت نکردن مسئولان مدرسه از معلم؛
مشارکت کننده ۲۰	تبلیغات رسانه‌ای بیش از حد در مورد حقوق دانش آموز در مدرسه؛ اطلاع‌رسانی محدود در مورد حقوق معلم؛ تغییر نظام آموزشی به نظام توصیفی؛ کم‌ارزش شمردن نقش معلم؛ جانب‌داری مدیران و معاونان مدرسه از دانش آموزان؛ حمایت نکردن مسئولان مدرسه از معلم؛

جدول (۲) با حذف کدهای تکراری به کدگذاری محوری تجربه زیسته معلمان درباره دلایل افزایش خشونت اولیا علیه معلمان پرداخته است.

جدول (۲): کدگذاری محوری تجربه زیسته معلمان درباره دلایل افزایش خشونت اولیا علیه معلمان

فقر فرهنگی والدین؛ جستجوی مقصر برای ضعف‌ها و ناکامی‌های خود از سوی والدین؛ تصور معلم به‌عنوان عامل اصلی ضعف فرزند خود؛ بی‌تجربه و غیر بازده دانستن معلم؛ قدرناشناسی؛ حقوق ناچیز معلمان؛ احترام نگذاشتن به جایگاه و شایستگی معلم؛ دیدگاه منفی نسبت به شخص معلم؛ خشونت علیه همکاران فرهنگی؛ برخورد تند والدین در مقابل دریافت کمک‌های مردمی؛ آگاه نبودن اولیا از قوانین و مقررات آموزش و پرورش؛ کوتاهی کردن مدرسه در توجیه کردن والدین و اطلاع‌رسانی به آن‌ها. کوتاهی مدرسه در توجیه و اطلاع‌رسانی دقیق و شفاف مسائل به والدین؛ حاضر نشدن والدین در جلسات و کارگاه‌های آموزشی - توجیهی مدارس؛ وجود نداشتن قوانین روشن و شفاف مخصوص در مورد تخلفات دانش آموزان؛ حساس نبودن معلم نسبت به وضعیت درسی و تربیتی دانش آموزان؛ آشنا نبودن معلمان با قوانین و مقررات و تخلفات اداری؛ ناآگاهی و ناکافی بودن دانش معلمان در مورد روان‌شناسی رفتاری دانش آموزان کلاس خود؛ بی‌سوادی والدین؛ طلاق والدین؛ دوزبانه بودن اولیا؛ فقر رفتار اجتماعی اولیا؛ شاغل شدن بیشتر مادران؛ سن بالای اولیا؛ آسیب‌های اجتماعی والدین؛ تهاجم فرهنگی؛ افسردگی؛ آلودگی هوا؛ تضعیف جایگاه معلم؛ پیاده‌سازی الگوهای آموزش و پرورش کشورهای پیشرفته؛ مطابقت نداشتن وضعیت اجتماعی و فرهنگی؛ جدی نگرفتن دوره ابتدایی به علت نظام توصیفی؛ حمایت نکردن مسئولان وزارت آموزش و پرورش از معلمان؛ وضعیت نامناسب خانواده‌ها به لحاظ اقتصادی؛ وضعیت نامناسب معلمان به لحاظ اقتصادی؛ ناتوانی معلم در اداره کلاس به دلیل کمبود فضای فیزیکی مدرسه و کلاس؛ ناتوانی معلم در اداره کلاس به دلیل کمبود میز و نیمکت و نبود آزمایشگاه و کارگاه؛ ناهماهنگی بین مدرسه و خانه؛ مشکلات خانوادگی و عقده‌گشایی‌ها؛ معلم شدن اولیا؛ حساسیت بیشتر بر فرزندان به دلیل تک‌فرزندی؛ ارتباط کم و محدود اولیا با کلاس و مدرسه؛ راضی نبودن از تدریس معلمان؛ آگاه نبودن اولیا از مقام و منزلت معلم و ارزش تعلیم و تربیت؛ همکاری نکردن رسانه‌ها در اطلاع‌رسانی درست نسبت به این شغل؛ ایجاد مقررات انضباطی ناکارآمد؛ عوامل شخصی؛ عوامل خانوادگی؛ عوامل اجتماعی؛ درک نادرست از توانمندی‌ها و استعدادهاى فرزندان؛ توقع بیش از حد اولیا از معلم؛ اختلافات مذهبی؛ تبلیغات رسانه‌ای بیش از حد در مورد حقوق دانش آموز در مدرسه؛ اطلاع‌رسانی محدود در مورد حقوق معلم؛ جانب‌داری مدیران و معاونان مدرسه از دانش آموزان؛

در جدول (۳) کدهای گزینشی تجربه زیسته معلمان درباره دلایل افزایش خشونت اولیا علیه معلمان ارائه شده است:

جدول (۳) کدهای گزینشی تجربه زیسته معلمان درباره دلایل افزایش خشونت اولیا علیه معلمان

حقوق ناچیز معلمان؛ آگاه نبودن اولیا از قوانین و مقررات آموزش و پرورش؛ کوتاهی مدرسه در توجیه و اطلاع‌رسانی دقیق و شفاف مسائل به والدین؛ وجود نداشتن قوانین روشن و شفاف مخصوص در مورد تخلفات دانش آموزان؛ پیاده‌سازی الگوهای آموزش و پرورش کشورهای خشونت ناشی از پیشرفته؛ مطابقت نداشتن وضعیت اجتماعی و فرهنگی؛ ارتباط کم و محدود اولیا با کلاس و مدرسه؛ همکاری نکردن رسانه‌ها در اطلاع‌رسانی درست نسبت به این شغل؛ ایجاد مقررات انضباطی ناکارآمد؛ اختلافات مذهبی؛ تبلیغات رسانه‌ای بیش از حد در مورد حقوق دانش آموز در مدرسه؛ نقص سیاست‌گذاری اطلاع‌رسانی محدود در مورد حقوق معلم؛ جانب‌داری مدیران و معاونان مدرسه از دانش آموزان؛ وضعیت نامناسب معلمان به لحاظ اقتصادی؛ جدی نگرفتن دوره ابتدایی به علت نظام توصیفی؛ ناهماهنگی بین مدرسه و خانه؛ ناتوانی معلم در اداره کلاس به دلیل کمبود فضای فیزیکی مدرسه و کلاس؛ ناتوانی معلم در اداره کلاس به دلیل کمبود میز و نیمکت و نبود آزمایشگاه و کارگاه؛	
دیدگاه منفی نسبت به معلمان؛ حفظ نکردن جایگاه شایسته معلمان؛ بی‌تجربه و غیر بازده دانستن معلم؛ فقر رفتار اجتماعی اولیا؛ آگاه نبودن اولیا از مقام و منزلت معلم و ارزش تعلیم و تربیت؛ احترام نگذاشتن به جایگاه و شایستگی معلم؛ دیدگاه منفی نسبت به شخص معلم؛ تضعیف جایگاه معلم؛ تصور معلم به‌عنوان عامل اصلی ضعف فرزند خود؛	فقر منزلتی
معلم شدن اولیا؛ حساسیت بیشتر بر فرزندان به دلیل تک‌فرزندی؛ درک نادرست از توانمندی‌ها و استعدادهاى فرزندان؛ توقع بیش از حد اولیا از	شرایط

خانوادگی	معلم؛ بی‌سوادی والدین؛ طلاق والدین؛ دوزبانه بودن اولیا؛ فقر رفتار اجتماعی اولیا؛ شاغل شدن بیشتر مادران؛ سن بالای اولیا؛ آسیب‌های اجتماعی والدین؛ افسردگی؛ حضور نداشتن والدین در جلسات و کارگاه‌های آموزشی - توجیهی مدارس؛ برخورد تند والدین در مقابل دریافت کمک‌های مردمی؛ مشکلات خانوادگی و عقده‌گشایی‌ها؛
عوامل حرفه‌ای معلمان	حساس نبودن معلم نسبت به وضعیت درسی و تربیتی دانش‌آموزان؛ آشنان نبودن خود معلمان با قوانین و مقررات و تخلفات اداری؛ ناآگاهی و نداشتن دانش کافی معلمان در مورد روان‌شناسی رفتاری دانش‌آموزان کلاس خود؛ رضای نبودن از تدریس معلمان؛ جستجوی مقصر برای ضعف‌ها و ناکامی‌های خود از سوی والدین؛

در این مرحله ۴۸ کد به دست آمد که در جدول فوق ارائه شده است. بدین ترتیب معلمان دیدگاه خود را نسبت به دلایل افزایش خشونت علیه معلمان ارائه کردند که این تم‌ها به صورت خشونت ناشی از نقص سیاست‌گذاری، فقر منزلتی، شرایط خانوادگی و عوامل حرفه‌ای معلمان بیان کردند.

سؤال دوم پژوهش: تجربه زیسته معلمان دوره ابتدایی از دلایل افزایش خشونت‌انداز آموزش معلمان چیست؟ در مرحله اول کدهای به دست آمده از مصاحبه در جدول (۴) تحت عنوان کدگذاری باز آورده شده است.

جدول (۴): کدگذاری باز تجربه زیسته معلمان درباره دلایل افزایش خشونت‌انداز آموزش معلمان

مشارکت‌کننده ۱	درست تربیت نشدن دانش‌آموزان؛ احترام نگذاشتن به معلم؛ برخوردار نبودن از سلامت روحی روانی؛ حذف تنبیه از مدارس و مطلع بودن اولیا و دانش‌آموزان از این موضوع؛ رعایت نکردن موازین اخلاقی و انضباطی و ادب و احترام؛
مشارکت‌کننده ۲	پولی شدن مدارس؛
مشارکت‌کننده ۳	تعریف شدن رابطه دانش‌آموز - معلم؛ احترام نگذاشتن به معلم؛
مشارکت‌کننده ۴	پایین آمدن ارزش اجتماعی معلمان نسبت به زمان گذشته در جامعه؛ مشکلات معیشتی معلمان و انعکاس آن در جامعه؛ تغییر دیدگاه افراد جامعه نسبت به جایگاه معلمان؛ بزرگ‌نمایی و انعکاس موارد خشونت معلم علیه دانش‌آموز در رسانه‌ها؛ منعکس نداشتن خشونت اولیا و دانش‌آموز علیه معلم؛
مشارکت‌کننده ۵	فرهنگ تربیتی متفاوت خانواده‌ها؛ عقب‌ماندگی‌های ذهنی، جسمی، روحی و روانی؛ فقر؛ طلاق؛ بی‌پدر یا بی‌مادر بودن؛ محروم بودن پدر یا مادر از داشتن شغل؛ درآمد کم؛ آگاه نبودن والدین از تربیت و شیوه‌های تربیتی؛ سن کم یا زیاد اولیا؛ کمبود محبت؛ چندپایه بودن کلاس‌ها؛ اعتیاد والدین؛ دوستان یا حتی فامیل ناباب؛ رسانه‌ها؛ تعداد زیاد پایه‌ها؛ افزایش بازی‌های خشن اینترنتی؛ نداشتن شغل خوب و داشتن درآمد کافی افراد با سواد؛ عدم توجه کافی و تنبیه علیه دانش‌آموزان؛ تربیت بچه‌های خشن و عصبی شده؛ کم‌سواد بودن اولیا؛
مشارکت‌کننده ۶	نبودن انگیزه مناسب برای تحصیل؛ بزرگ شدن آن‌ها در بین والدین پرخاشگر؛ نبودن محبت و احترام بین دانش‌آموزان و معلم؛
مشارکت‌کننده ۷	وجود امکانات فراوان فضای مجازی؛ دسترسی آسان دانش‌آموزان به فضای مجازی؛ مطمئن بودن دانش‌آموزان از قبولی و صوری و بی‌تأثیر بودن نمره انضباط در سرنوشت آن‌ها؛
مشارکت‌کننده ۸	مشکل رفتاری و تربیتی دانش‌آموزان؛ بی‌علاقه بودن به درس و نبودن انگیزه در دانش‌آموزان برای ادامه تحصیل؛ پایین بودن سطح فرهنگ خانواده و دانش‌آموز؛ ناتوانی آموزش و پرورش در برخورد با دانش‌آموزان خاکی؛ ایجاد تنش بین معلم و دانش‌آموزان به دلیل زیاد بودن تعداد دانش‌آموز در کلاس؛ کمبود فضای فیزیکی کلاس؛
مشارکت‌کننده ۹	آگاه نبودن جوانان از امر ازدواج؛ تربیت فرزندان ناصالح؛ انتقال تجربه‌های ناخوشایند اولیا به فرزندان در خصوص دوران تحصیلشان؛ ناآگاهی معلمان در نوع برخورد با دانش‌آموزان؛ جذاب نبودن مدارس؛ گسترش حس دافعه در مدارس از جمله محدودیت پوشیدن لباس، پخش موسیقی، لباس‌های گرفته معلمان و رنگ به سایر نامطلوب لباس‌ها؛ فشار والدین برای پیشرفت فرزندان و موفق نشدن آن‌ها؛ مقصر دانستن معلمان در صورت موفق نشدن؛ فقر اقتصاد خانواده؛ فقر فرهنگی خانواده؛ پرورش حس رقابت بین دانش‌آموزان نه مشارکت؛
مشارکت‌کننده ۱۰	حجم زیاد کتاب‌های درسی؛ یاد نگرفتن به موقع درس‌ها؛ فشار خانواده؛ وجود اختلاف پدر و مادر؛
مشارکت‌کننده ۱۱	محیط خانواده؛ سخت‌گیری معلمان برای دانش‌آموزان؛ آگاه نبودن معلم از تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان؛

۱۲	مشارکت کننده	تفاوت های فردی مختلف دانش آموزان؛ اختلافات خانوادگی؛
۱۳	مشارکت کننده	تغییر نظام آموزشی به توصیفی؛
۱۴	مشارکت کننده	آگاه نبودن دانش آموزان از مقام والای معلم به تبع اولیای خویش؛
۱۵	مشارکت کننده	نداشتن انگیزه لازم برای حضور در مدرسه؛ احساس نوعی اجبار در خواندن درس و دیدن تعالیم لازم؛ وجود نداشتن معیار دقیق ارزشیابی در مدارس برای غربالگری دانش آموزان؛ تبلیغات نادرست از نقش و جایگاه معلم؛ بی احترامی به معلم؛ مشکلات اقتصادی معلم؛
۱۶	مشارکت کننده	تنزل جایگاه معلم به پایین ترین سطح خود؛ مشکلات اقتصادی معلم؛
۱۷	مشارکت کننده	فرزند محوری؛ حمایت نکردن اداره از معلم؛
۱۸	مشارکت کننده	افزایش تکالیف درسی؛ داشتن مشکلات روحی و خانوادگی دانش آموز؛
۱۹	مشارکت کننده	توهین اولیا در حضور دانش آموزان؛
۲۰	مشارکت کننده	تغیر نظام آموزشی به توصیفی؛ تبلیغات رسانه ای و بزرگ نمایی حقوق شاگردان در مدرسه بدون در نظر گرفتن حقوق معلم؛ تربیت نادرست اولیا؛ حمایت عوامل اجرایی مدرسه و اداره از دانش آموزان؛ اطلاع داشتن از حقوق اندک معلم؛ پایین آمدن شأن اجتماعی معلمان در جامعه؛

جدول (۵) با حذف کدهای تکراری به کدگذاری محوری تجربه زیسته معلمان درباره دلایل افزایش خشونت دانش آموزان علیه معلمان پرداخته است.

جدول (۵): کدگذاری محوری تجربه زیسته معلمان درباره دلایل افزایش خشونت دانش آموزان علیه معلمان

احترام نگذاشتن به معلم؛ برخوردار نبودن از سلامت روحی روانی؛ حذف تنبیه از مدارس و مطلع بودن اولیا و دانش آموزان از این موضوع؛ پولی شدن مدارس؛ تعریف نشدن رابطه دانش آموز- معلم؛ پایین آمدن ارزش اجتماعی معلمان نسبت به زمان گذشته در جامعه؛ مشکلات معیشتی معلمان و انعکاس آن در جامعه؛ منعکس نشدن خشونت اولیا و دانش آموز علیه معلم؛ عقب ماندگی های ذهنی، جسمی، روحی و روانی؛ طلاق؛ بی پدر یا بی مادر بودن؛ نداشتن شغل پدر یا مادر؛ درآمد کم؛ آگاه نبودن والدین از تربیت و شیوه های تربیتی؛ سن کم یا زیاد اولیا؛ کمبود محبت؛ چندپایه بودن کلاس ها؛ اعتیاد والدین؛ دوستان یا حتی فامیل ناباب؛ افزایش بازی های خشن اینترنتی؛ تربیت بچه های خشن و عصبی شده؛ سواد کم اولیا؛ نداشتن انگیزه مناسب برای تحصیل؛ بزرگ شدن آن ها در بین والدین پر خاشاکر؛ وجود امکانات فراوان فضای مجازی؛ دسترسی آسان دانش آموزان به فضای مجازی؛ مطمئن بودن دانش آموزان از قبولی و کاملاً صوری و بی تأثیر بودن نمره انضباط در سرنوشت آن ها؛ مشکل رفتاری و تربیتی دانش آموزان؛ پایین بودن سطح فرهنگ خانواده و دانش آموز؛ ناتوانی آموزش و پرورش در برخورد با دانش آموزان خاطی؛ کمبود فضای فیزیکی کلاس؛ انتقال تجربه های ناخوشایند اولیا به فرزندان در خصوص دوران تحصیلشان؛ ناآگاهی معلمان در نوع برخورد با دانش آموزان؛ جذاب نبودن مدارس؛ گسترش حس دافعه در مدارس از جمله محدودیت پوشیدن لباس، پخش موسیقی، لباس های گرفته معلمان و رنگ به سایر نامطلوب لباس ها؛ فشار والدین برای پیشرفت فرزندان و عدم موفقیت آن ها؛ مقصر دانستن معلمان در صورت موفق نشدن؛ فقر اقتصادی خانواده؛ فقر فرهنگی خانواده؛ پرورش حس رقابت بین دانش آموزان نه مشارکت؛ حجم زیاد کتاب های درسی؛ یاد نگرفتن به موقع درس ها؛ وجود اختلاف میان پدر و مادر؛ محیط خانواده؛ سخت گیری معلمان هم برای دانش آموزان؛ آگاه نبودن معلم از تفاوت های فردی دانش آموزان؛ وجود نداشتن معیار دقیق ارزشیابی در مدارس برای غربالگری دانش آموزان؛ تبلیغات نادرست از نقش و جایگاه معلم؛ فرزند محوری؛ حمایت نکردن اداره از معلم؛ توهین اولیا در حضور دانش آموزان؛ تبلیغات رسانه ای و بزرگ نمایی حقوق شاگردان در مدرسه بدون در نظر گرفتن حقوق معلم؛ حمایت عوامل اجرایی مدرسه و اداره از دانش آموزان؛

در جدول (۶) کدهای گزینشی تجربه زیسته معلمان درباره دلایل افزایش خشونت دانش آموزان علیه معلمان آمده است.

جدول (۶): کدهای گزینشی تجربه زیسته معلمان درباره دلایل افزایش خشونت دانش آموزان علیه معلمان

<p>وجود امکانات فراوان فضای مجازی؛ دسترسی آسان دانش آموزان به فضای مجازی؛ مطمئن بودن دانش آموزان از قبولی و کاملاً صوری و بی تأثیر بودن نمره انضباط در سرنوشت آن‌ها؛ ناتوانی آموزش و پرورش در برخورد با دانش آموزان خاطی؛ پرورش حس رقابت بین دانش آموزان نه مشارکت؛ وجود نداشتن معیار دقیق ارزشیابی در مدارس برای غربالگری دانش آموزان؛ گسترش حس دافعه در مدارس از جمله محدودیت پوشیدن لباس، پخش موسیقی، لباس های گرفته معلمان و رنگ نامطلوب لباس‌ها؛ جذاب نبودن مدارس؛ پولی شدن مدارس؛ چندپایه بودن کلاس‌ها؛ نبودن انگیزه مناسب برای تحصیل؛ کمبود فضای فیزیکی کلاس؛ فرزند محوری؛ تبلیغات رسانه‌ای و بزرگ‌نمایی حقوق شاگردان در مدرسه بدون در نظر گرفتن حقوق معلم؛ حمایت عوامل اجرایی مدرسه و اداره از دانش آموزان؛ منعکس نساختن خشونت اولیا و دانش آموز علیه معلم؛ یاد نگرفتن به موقع درس‌ها؛ حجم زیاد کتاب‌های درسی؛ حمایت نکردن اداره از معلم؛</p>	<p>خشونت ناشی از نقص سیاست‌گذاری خشونت</p>
<p>تجربه تنبیه شدید در کودکی؛ تجربه تنبیه فیزیکی در کودکی؛ محیط خانوادگی آشفته در کودکی؛ پدربسالاری یا مادرسالاری در خانواده؛ تنبیه بدنی</p>	<p>تجربه خشونت فیزیکی</p>
<p>احترام نگذاشتن به معلم؛ تعریف نشدن رابطه دانش آموز - معلم؛ پایین آمدن ارزش اجتماعی معلمان نسبت به زمان گذشته در جامعه؛ مشکلات معیشتی معلمان و انعکاس آن در جامعه؛ مقصر دانستن معلمان در صورت موفق نشدن؛ تبلیغات نادرست از نقش و جایگاه معلم؛ توهین اولیا در حضور دانش آموزان؛</p>	<p>فقر منزلتی</p>
<p>عقب‌ماندگی‌های ذهنی، جسمی، روحی و روانی؛ طلاق؛ محروم بودن از نعمت پدر یا مادر؛ نداشتن شغل پدر یا مادر؛ درآمد کم؛ سن کم یا زیاد اولیا؛ اعتماد والدین؛ دوستان یا حتی فامیل ناباب؛ سواد کم اولیا؛ بزرگ شدن آن‌ها در بین والدین پرخاشگر؛ پایین بودن سطح فرهنگ خانواده و دانش آموز؛ فشار والدین برای پیشرفت فرزندان؛ عدم موفقیت آن‌ها؛ وجود اختلاف پدر و مادر؛ آگاه نبودن والدین از تربیت و شیوه‌های تربیتی؛ کمبود محبت والدین؛ تربیت بچه‌های خشن و عصبی شده؛ مشکل رفتاری و تربیتی دانش آموزان؛ انتقال تجربه‌های ناخوشایند اولیا به فرزندان در خصوص دوران تحصیلشان؛ فقر اقتصاد خانواده؛ فقر فرهنگی خانواده؛</p>	<p>شرایط خانوادگی</p>
<p>سخت‌گیری معلمان برای دانش آموزان؛ آگاه نبودن معلم از تفاوت‌های فردی دانش آموزان؛ ناآگاهی معلمان در نوع برخورد با دانش آموزان؛ برخورد نادرست از سلامت روحی روانی؛</p>	<p>عوامل حرفه‌ای معلمان</p>
<p>در این مرحله ۵۴ کد به دست آمد که در جدول (۶) ارائه شده است. بدین ترتیب معلمان دیدگاه خود را نسبت به دلایل افزایش خشونت دانش آموزان علیه معلمان ارائه کردند که این تم‌ها به صورت خشونت ناشی از نقص سیاست‌گذاری، خشونت جسمی، فقر منزلتی، شرایط خانوادگی و عوامل حرفه‌ای مربوط به معلمان ارائه شد.</p>	
<p>سؤال سوم پژوهش: تجربه زیسته معلمان دوره ابتدایی از دلایل افزایش خشونت سایر اعضای جامعه (رسانه‌ها - افراد عادی و ...) علیه معلمان چیست؟</p>	
<p>در مرحله اول کدهای به دست آمده از مصاحبه در جدول (۷) تحت عنوان کدگذاری باز آورده شده است.</p>	
<p>جدول (۷): کدگذاری باز تجربه زیسته معلمان درباره دلایل افزایش خشونت سایر اعضای جامعه علیه معلمان</p>	
<p>ساعات کاری مدارس، تعطیلات تابستانی، عید نوروز و زمستان؛ بی‌مسئولیت پنداشتن معلم؛ توجه به نقش مادیات به جای تربیت فرزندان صالح از سوی رسانه‌ها؛</p>	<p>مشارکت‌کننده ۱</p>
<p>تبلیغات نادرست در مورد حقوق و مزایای معلمان؛</p>	<p>مشارکت‌کننده ۲</p>
<p>مدرن شدن جامعه؛ کم‌رنگ شدن مسئله احترام به بزرگ‌ترها و معلمان؛</p>	<p>مشارکت‌کننده ۳</p>
<p>آشنا نبودن معلم با شرایط زندگی و خانوادگی دانش آموزان؛ بیان نکردن قوانین و مقررات کلاس و مدرسه و انتظارات معلم از دانش آموزان به صورت شفاف در ابتدای سال تحصیلی؛ هدایت دانش آموزان به کلاس‌های تقویتی به جای تکرار و تمرین و توجه به ضعف درسی دانش آموزان؛ توجه نداشتن به شرایط سنی و ویژگی‌های شخصیتی دانش آموزان؛ قضاوت زود هنگام بدون تحقیق و</p>	<p>مشارکت‌کننده ۴</p>

تفکر در مورد خطای دانش آموزان؛ توجه نداشتن به تلاش دانش آموزان ساعی و زحمت کش و ممتاز؛	
تحریم‌ها و مادی‌نگری به نظام آموزشی؛ نگاه مصرف‌گرایانه؛ منفی‌بافی و بزرگ‌نمایی، سیاه‌نمایی یا گاهی کم‌توجهی به شأن و جایگاه معلمان؛ متحد نبودن مسئولان این نهاد با یکدیگر؛ گرفتن تصمیمات نامربوط؛ عدم ثبات در تعیین پست‌های مدیریتی؛ وجود روابط ناسالم مدیریتی؛ وجود دست‌های پشت پرده پنهان در به زمین زدن جایگاه معلم؛ بزرگ جلوه دادن نقش تربیتی سوء در معلم؛ تخصیص نیافتن بودجه و ناکارآمدی عوامل اجرایی، رسانه‌ها و افراد؛	مشارکت‌کننده ۵
تبلیغات نادرست؛ کمبود تسهیلات به معلمان؛ مشکلات مالی معلمان؛ عدم حمایت حقوقی و قضایی معلم؛ تعداد زیاد دانش آموزان کلاس درس؛	مشارکت‌کننده ۶
وجود امکانات زیاد برای انتشار کوچک‌ترین مورد از رفتار نامتعارف معلمان از برنامه‌هایی مانند اخبار و شبکه‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی؛ حقوق بسیار کم شغل معلمی؛	مشارکت‌کننده ۷
نپذیرفتن آموزش و پرورش به عنوان زیربنایی‌ترین عامل توسعه فرهنگی جامعه از طرف رسانه‌ها؛ تدریس خصوصی معلمان به دلیل وضعیت بد اقتصادی آن‌ها؛ اعتراض و اعتصاب معلمان نسبت به پرداخت نشدن حقوق و اضافه کاری؛	مشارکت‌کننده ۸
داشتن پیشینه‌ای تلخ و ناموفق از دوران تحصیل؛ جذاب نبودن مدارس؛ آشنا نبودن معلمان با وظایفشان - اهل مطالعه نبودن و به‌روز نبودن؛ موفق نبودن نظام آموزشی در شناسایی خود به مردم و ارتباط صحیح با آن‌ها؛ ناکارآمدی نظام آموزشی به دلایل مختلف از جمله مدیریت‌های مصلحتی، سیاسی، عقیدتی و دینی و نه علمی؛ داشتن مردمی ناآگاه، بی‌فرهنگ و داشتن ارزش‌های غلط در نقد شغل‌ها؛ وضعیت معیشتی فرهنگیان؛	مشارکت‌کننده ۹
اطلاع‌رسانی نادرست رسانه‌ها در جامعه؛ وارد کردن فشار روانی به معلمان از طریق تبلیغات نادرست؛	مشارکت‌کننده ۱۰
اخلاق و رفتار و طرز فکرهای نادرست افراد عادی علیه معلمان؛ تبلیغات نادرست در فضای مجازی؛	مشارکت‌کننده ۱۱
فقر فرهنگی؛	مشارکت‌کننده ۱۲
وجود تبعیض بین شغل معلمی با سایر مشاغل؛ تبلیغات نادرست؛ مشکلات مالی معلمان؛ شغل دوم معلمان به دلیل مشکلات مالی؛	مشارکت‌کننده ۱۳
مسئولیت‌پذیر نبودن معلمان؛	مشارکت‌کننده ۱۴
فقر فرهنگی؛	مشارکت‌کننده ۱۵
مشکلات مالی معلمان؛ تبلیغات نادرست؛	مشارکت‌کننده ۱۶
ملاک و معیار ارزش‌گذاری در جامعه مبتنی بر بینش و نگرش مادی‌گرایانه؛	مشارکت‌کننده ۱۷
حقوق پایین معلمان؛ تبلیغات نادرست از شغل معلمی در جامعه؛	مشارکت‌کننده ۱۸
حمایت نکردن اداره از معلمان؛	مشارکت‌کننده ۱۹
حقوق پایین معلم و رسانه‌ای کردن این موضوع؛ تبلیغات نادرست از طریق رسانه ملی؛ نادیده گرفتن نقش معلم؛	مشارکت‌کننده ۲۰

جدول (۸) با حذف کدهای تکراری به کدگذاری محوری تجربه زیسته معلمان درباره دلایل افزایش خشونت سایر اعضای جامعه علیه معلمان پرداخته است.

جدول (۸): کدگذاری محوری تجربه زیسته معلمان درباره دلایل افزایش خشونت سایر اعضای جامعه علیه معلمان

بی‌مسئولیت پنداشتن معلم؛ اهمیت قائل شدن به مادیات به جای تربیت فرزندان صالح از سوی رسانه‌ها؛ تبلیغات نادرست در مورد حقوق و مزایای معلمان؛ مدرن شدن جامعه؛ کم‌رنگ شدن مسئله احترام به بزرگ‌ترها و معلمان؛ آشنا نبودن معلم با شرایط زندگی و خانوادگی دانش آموزان؛ بیان نکردن قوانین و مقررات کلاس و مدرسه و انتظارات معلم از دانش آموزان به صورت شفاف در ابتدای سال تحصیلی؛ هدایت‌دانش آموزان به کلاس‌های تقویتی به جای تکرار و تمرین و توجه به ضعف درسی دانش آموزان؛ قضاوت زودهنگام بدون تحقیق و تفکر در مورد خطای دانش آموزان؛ توجه نکردن به تلاش دانش آموزان ساعی و زحمت‌کش و ممتاز؛ تحریم‌ها و مادی‌نگری نسبت به نظام آموزشی؛ نگاه مصرف‌گرایانه؛ منفی‌بافی و بزرگ‌نمایی، سیاه‌نمایی گاهی کم‌توجه نشان دادن شأن و جایگاه معلمان؛ متحد نبودن مسئولان این نهاد با یکدیگر؛ گرفتن تصمیمات نامربوط؛ عدم ثبات در تعیین پست‌های مدیریتی؛ وجود روابط ناسالم مدیریتی؛ وجود دست‌های پشت پرده پنهان در به زمین زدن جایگاه معلم؛ بزرگ جلوه دادن نقش تربیتی سوء در معلم؛ عدم تخصیص بودجه و ناکارآمدی عوامل اجرایی، رسانه‌ها و افراد؛ تبلیغات نادرست؛ کمبود تسهیلات به معلمان؛ مشکلات مالی معلمان؛ عدم حمایت حقوقی و قضایی معلم؛ تعداد زیاد دانش آموزان کلاس درس؛ وجود امکانات زیاد برای انتشار کوچک‌ترین مورد از رفتار نامتعارف معلمان از برنامه‌هایی مانند

اخبار و شبکه‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی؛ پذیرفتن آموزش و پرورش به‌عنوان زیربنایی‌ترین عامل توسعه فرهنگی جامعه از طرف رسانه‌ها؛ داشتن پیشینه‌ای تلخ و ناموفق از دوران تحصیل؛ جذاب نبودن مدارس؛ آشنا نبودن معلمان با وظایفشان-اهلمطالعه نبودن به‌روز نبودن؛ موفق نبودن نظام آموزشی در شناسایی خود به مردم و ارتباط صحیح با آن‌ها؛ ناکارآمدی نظام آموزشی به دلایل مختلف از جمله مدیریت‌های مصلحتی، سیاسی، عقیدتی و دینی و نه علمی؛ داشتن مردمی ناآگاه، بی‌فرهنگ و داشتن ارزش‌های غلط در نقد شغل‌ها؛ اطلاع‌رسانی نادرست رسانه‌ها در جامعه؛ وارد کردن فشار روانی به معلمان از طریق تبلیغات نادرست؛ اخلاق و رفتار و طرز فکرهای نادرست افراد عادی علیه معلمان؛ فقر فرهنگی؛ وجود تبعیض بین شغل معلمی با سایر مشاغل؛

در جدول (۹) به کدهای گزینشی تجربه زیسته معلمان درباره دلایل افزایش خشونت سایر اعضای جامعه علیه معلمان پرداخته شده است.

جدول (۹): کدهای گزینشی تجربه زیسته معلمان درباره دلایل افزایش خشونت سایر اعضای جامعه علیه معلمان

تبلیغات نادرست در مورد حقوق و مزایای معلمان؛ مدرن شدن جامعه؛ بیان نکردن قوانین و مقررات کلاس و مدرسه و انتظارات معلم از دانش‌آموزان به صورت شفاف در ابتدای سال تحصیلی؛ تحریم‌ها و مادی نگرینست به نظام آموزشی؛ نگاه مصرف‌گرایانه؛ گرفتن تصمیمات نامربوط؛ عدم ثبات در تعیین پست‌های مدیریتی؛ وجود روابط ناسالم مدیریتی؛ تخصیص یافتن بودجه و ناکارآمدی عوامل اجرایی، رسانه‌ها و افراد؛ تبلیغات نادرست؛ کمبود تسهیلات به معلمان؛ مشکلات مالی معلمان؛ عدم حمایت حقوقی و قضایی معلمان؛ وجود امکانات زیاد برای انتشار کوچک‌ترین مورد از رفتار نامتعارف معلمان از برنامه‌هایی مانند اخبار و شبکه‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی؛ پذیرفتن آموزش و پرورش به‌عنوان زیربنایی‌ترین عامل توسعه فرهنگی جامعه از طرف رسانه‌ها؛ موفق نبودن نظام آموزشی در شناسایی خود به مردم و ارتباط صحیح با آن‌ها؛ ناکارآمدی نظام آموزشی به دلایل مختلف از جمله مدیریت‌های مصلحتی، سیاسی، عقیدتی و دینی و نه علمی؛ اطلاع‌رسانی نادرست رسانه‌ها در جامعه؛ بزرگ جلوه دادن نقش تربیتی سوء در معلم؛ تعداد زیاد دانش‌آموزان کلاس درس؛ جذاب نبودن مدارس؛ وارد کردن فشار روانی به معلمان از طریق تبلیغات نادرست؛ وجود دست‌های پشت پرده‌پنهان در به زمین زدن جایگاه معلم؛	خشونت ناشی از نقص سیاست‌گذاری
بی‌مسئولیت پنداشتن معلم؛ کم‌رنج شدن مسئله احترام به بزرگ‌تراها و معلمان؛ منفی‌بافی و بزرگ‌نمایی، سیاه‌نمایی گاهی کم‌توجهی نشان دادن نسبت به شأن و جایگاه معلمان؛ متحد نبودن مسئولان این نهاد با یکدیگر؛ وجود تبعیض بین شغل معلمی با سایر مشاغل؛ اخلاق و رفتار و طرز فکرهای نادرست افراد عادی علیه معلمان؛	فقر منزلتی
عدم آشنایی کامل معلمان به وظایفشان؛ اهلمطالعه نبودن به‌روز نبودن؛ آشنا نبودن معلم با شرایط زندگی و خانوادگی دانش‌آموزان؛ هدایت‌دانش‌آموزان به کلاس‌های تقویتی به جای تکرار و تمرین و توجه به ضعف درسی دانش‌آموزان؛ قضاوت زودهنگام بدون تحقیق و تفکر در مورد خطای دانش‌آموزان؛ توجه نکردن به تلاش دانش‌آموزان ساعی و زحمت‌کش و ممتاز؛	عوامل حرفه‌ای معلمان
اهمیت قائل شدن به نقش مادیات به جای تربیت فرزندان صالح از سوی رسانه‌ها؛ ناآگاهی رسانه‌ای؛ تهاجم فرهنگی و اشاعه ارزش‌های غلط؛ سوگیری رسانه‌ها و فضای مجازی در نقد شغل‌ها؛ عدم توجه شایسته به جایگاه معلمان در رسانه‌های گروهی؛ افزایش بازی‌های خشن اینترنتی؛	نقش رسانه‌های جمعی

در این مرحله ۳۹ کد به دست آمد که در جدول (۹) ارائه شده است. بدین ترتیب معلمان دیدگاه خود را نسبت به دلایل افزایش خشونت علیه معلمان ارائه کردند که این تم‌ها به صورت خشونت ناشی از نقص سیاست‌گذاری، فقر منزلتی، نقش رسانه‌های جمعی و عوامل حرفه‌ای معلمان بیانگردید. به این ترتیب ملاحظه می‌گردد که از دیدگاه معلمان، خشونت علیه معلمان چه از طرف دانش‌آموزان باشد و چه والدین ایشان و چه سایر افراد و گروه‌ها؛ از چهار عامل اصلی نشأت می‌گیرد: منزلت و اعتبار اجتماعی معلمان، شرایط خانوادگی و اوضاع حاکم بر خانواده‌ها و نوع نگرش ایشان، عوامل فرهنگی و نوع نگاه به معلم در کل جامعه و رسانه‌ها و نیز ضعف سیاست‌گذاری‌ها؛ لیکن در مؤلفه‌های مربوط به هر کدام از این کدهای محوری تفاوت‌هایی به چشم می‌خورد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی تجربه زیسته معلمان دوره ابتدایی از دلایل افزایش خشونت علیه معلمان بود که به روش کیفی با رویکرد پدیدارشناسی انجام پذیرفت. برای سوال اول، در مرحله آخر ۴۸ کد و ۴ کد اصلی به دست آمد، که عبارتند از: خشونت ناشی از نقص سیاست گذاری، فقر منزلتی، شرایط خانوادگی و عوامل حرفه‌ای؛ (Shayan-Mehr (2010) و Bahmani (2001) نیز در تحقیق خود تم فقر منزلت را از جمله دلایل اصلی خشونت علیه معلمان دانسته و از این جهت با تحقیق حاضر همسو می‌باشد. (Yari-Gholi, et al (2016) در پژوهش خود تم‌های شرایط خانوادگی و عوامل فرهنگی معلمان را از جمله علل خشونت شناسایی نموده‌اند. همچنین (Shokouhi-Yekta, Zamani & Javadi-Asayesh (2012) در پژوهش خود تم خشونت ناشی از سیاست گذاری را بیان کردند. برای سوال دوم، در مرحله آخر ۵۴ کد و ۵ کد اصلی به دست آمد که عبارتند از: خشونت ناشی از نقص سیاست گذاری، تجربه خشونت فیزیکی، فقر منزلتی، شرایط خانوادگی و عوامل حرفه‌ای؛ این یافته نیز با یافته‌های (Shayan-Mehr (2010)، (Yari-Gholi, et al (2016)، (Aflaki Fard (2001) و (George (2019) همخوانی دارد. در رابطه با سوال سوم، در مرحله آخر ۳۹ کد و ۴ کد اصلی حاصل شد که عبارتند از: خشونت ناشی از نقص سیاست گذاری، فقر منزلتی، عوامل حرفه‌ای و نقش رسانه‌های جمعی که با یافته‌های (Shokouhi-Yekta, Zamani & Javadi-Asayesh (2012)، (Moyidfar & Zahani (2005) و (Bazargan, et al (2012) همسو می‌باشد.

گاهی خشونت به معلمان نه از طرف دانش آموزان بلکه از جانب والدین آنها صورت می‌گیرد. خشونت در هر شکلی، رفتاری ناسازگارانه است، اما به هر حال بخشی از واقعیت انسانی ماست و باید آن را مانند هر واقعیت دیگری پذیرفت و بهترین راه پیشگیری یا کاهش آن را پیدا کرد. خشونت‌های درون مدرسه‌ای واقعیتی است که با چشم‌پوشی حل نمی‌شود و به بررسی دقیق و ریشه‌یابی کارشناسانه با چشمانی باز و واقع‌بین نیاز دارد (Navidi & Barzgar, 2015). رابطه دانش آموز- معلم مانند هر رابطه دیگر انسانی باید تعریف شده باشد و حدود آن مشخص شود. هیچ شکی در این واقعیت وجود ندارد که معلمی شغلی مقدس است، اما این موضوع به هیچ وجه به معنای آن نیست که این جایگاه و تقدس از سوی تمام افراد به یکسان ادراک شده و احترام و شأن معلم از طرف ایشان مراعات می‌گردد. دانش آموزان، آینده‌سازان این کشور هستند که برای رشد و اعتلای دانش و حفظ حرمت و کرامت فرهنگی این کشور مشغول تحصیل هستند، اما به هیچ وجه حق ندارند هتک حرمت کنند و به شکل‌های مختلف احترام معلم را زیر پا بگذارند. در مورد تنبیه بدنی دانش آموزان و خشونت‌هایی که از جانب معلمان به دانش آموزان وارد می‌شود، صحبت‌های زیادی شده است اما خشونت به معلمان مشکلی فراموش شده است؛ در حالی که این مشکل شیوع کمی ندارد (Hoshiar, 2018).

با توجه به اینکه مطالعه جامعی در مورد «معلم آزاری» در کشور صورت نگرفته، ولی معلمان گزارش کرده‌اند در طول دوره تدریس حداقل یک بار مورد خشونت فیزیکی یا کلامی از جانب دانش آموزان یا والدین آنها قرار گرفته‌اند؛ به نظر می‌رسد این مشکل با مدرن شدن جامعه و کم‌رنگ شدن مسئله احترام به بزرگ‌ترها و معلمان، در حال رشد باشد و اگر به موقع فکری برای آن نشود، پیامدهای وخیم‌تری را در آینده خواهد داشت. گاهی پدران و مادران ناآگاهانه خشونت فرزندانشان را به معلمان به صورت ضمنی تایید می‌کنند. رابطه معلم- دانش آموز یکی از تاثیرگذارترین رابطه‌های بین فردی است و به برخورد کارشناسانه و آموزش نیاز دارد. معلمان، دانش آموزان و والدین آنها باید گروه هدف این مداخله‌های آموزشی قرار گیرند. برای حل هر مشکل اجتماعی ابتدا باید وارد حوزه روان‌شناسی شد و انگیزه‌های روانی آن رفتار را پیدا کرد. این کار به مطالعه همه‌جانبه‌نگر و دقیق نیاز دارد و مشاوران مدارس باید این مهم را انجام دهند. باید با دانش آموزان، در مقاطع تحصیلی مختلف، مصاحبه‌های جامع صورت گیرد تا انگیزه آنها از خشونت علیه معلمان مشخص شود. بدون دانستن آنچه در ذهن دانش آموزان می‌گذرد، هر

مداخله‌ای که صورت گیرد ناکارآمد است. گاهی دانش‌آموزان برای حمایت از دوستانشان و گرفتن حق آنها از معلم، خشونت نشان می‌دهند. گاهی انگیزه آنها صرفاً مورد توجه همکلاسی‌ها قرار گرفتن است. گاهی هم فقط می‌خواهند جسارت خود را آزمایش کنند و ببینند تا کجا می‌توانند پیش بروند. این انگیزه بیشتر در رابطه با معلمانی که مهارت کمتری در مدیریت کلاس دارند، دیده می‌شود. گاهی هم این انگیزه‌ها را معلمان تشدید می‌کنند، مثل خشونتی که در پاسخ به تنبیه معلم یا رفتارهای ناعادلانه و تبعیض‌آمیز یا انتظارات غیرمنطقی او صورت می‌گیرد.

انتظار مردم از وزارت آموزش و پرورش، همکاری بین‌سازمانی هرچه بیشتر با وزارت بهداشت، در جهت بهبود سلامت روان جامعه است. به جای اینکه بگوییم برای سلامت روان جامعه هیچ کاری نمی‌شود انجام داد، باید برنامه‌های ارتقای سلامت روان را از دوران مدرسه آغاز کرد. با توجه به این که طبق یافته‌های تحقیق حاضر، مسائل مربوط به سیاست‌گذاری و اعتبار اجتماعی معلم از جمله دلایل اصلی خشونت علیه معلمان از سوی گروه‌های مختلف عنوان شده است، ضرورت دارد تبلیغات مؤثری در مورد منزلت اجتماعی معلم و همچنین حق و حقوق معلم در قبال دانش‌آموزان انجام شود تا دانش‌آموزان و اولیای آنها از قوانین آگاهی پیدا کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود دوره‌های ضمن خدمت برای معلمان در نظر گرفته شود تا معلمان نیز در مورد نوع برخورد با خشونت‌ها آگاهی پیدا کرده و با شناسایی انگیزه‌های عاملان خشونت و نیز مطابق با تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان با ایشان برخورد کنند. در ضمن با توجه به این که در این پژوهش صرفاً با معلمان استان آذربایجان غربی مصاحبه انجام پذیرفته و داده‌های احتمالی موجود در منابع دیگر (نظیر مطالعات تطبیقی و سند کاوی) مورد بحث نبوده است، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های دیگری با لحاظ نمودن این موارد انجام گیرد تا بتوان از مجموع آنها به نتایج و راهکارهایی در راستای کاهش خشونت در مدارس و به طور ویژه علیه معلمان دست یافت.

References

- Aflakifard, H. (2001). Examination the social status of teachers in Islamic educational system from ideal to reality, MA thesis, *Shiraz university*, educational science department. [in Persian]
- Bahmani, S. (2001). Examination teachers' social status comparing the other professions from the perspective of students' parents (Research report), Ahvaz, *the education head office of Khuzestan province*. [in Persian]
- Bazargan, Z.; Sadeghi, N., & Lavasani, M. (2012). Examination the phenomenon of verbal violence in Tehran guidance schools, The report of research plan, *Tehran university*. [in Persian]
- Blomart. j. (2017). Preventing violence within the primary school environment, violence in school. *Debarbieux, E. and Blaya, C., ESF*.
- Connor DF. (2012). Aggression and antisocial behavior in children and adolescent. *Guilford Press*
- Dadsetan, P. (2010). Criminal psychology, *Tehran: Samt*. [in Persian]
- Delvecchio, H; Olivery, M. (2004). Effectiveness of anger treatment for specific anger problem: A meta-analytic review. *Journal of Clinical Psychology*, 2(9): 28-47.
- Gall, M.; Borg, W., & Gall, J. (2012). Quantitative and qualitative research methods in educational sciences and psychology, *Tehran: Samt*. [in Persian]
- George L. (2019) A Phenomenological Study Describing Violence Against Educators. Unpublished. Doctoral Dissertation, *University of Phoenix*.
- Granero, R, Poni, E, S, Escobar-Poni, B, C and Escobar, J, (2012). Trends of violence among 7th, 8th and 9th grade students in the state of Lara, *Venezuela: The Global School Health Survey 2009 and 2012*, Archives of Public Health 2012, 69: 7 <http://www.archpublichealth.com/content/69/1/7>.
- Houshiar, S. (2018). Approaches of enhancing the individual and social identity of teachers, the *conference of Teacher in Knowledge Era*. [in Persian]
- Jigău, M., Liiceanu, A. & Preuteasa, L. (2016). *Violența în școală*, București: *Alpha MDN*.

- Joireman J, Anderson J, Stathman A. (2003). The aggression paradox: Understanding links among aggression, sensation seeking, and the consideration of future consequences. *Journal of Personality and Social Psychology*; 84-101.
- Kouhestani, H.R.; Baqcheqi, N.; Rezayi, K. & EbrahimiFakhar, H.R. (2012). Examination the potential factors of professional violence among the Medicine students, *Journal of Job health of Iran*, 2(11). 23-48. [in Persian]
- Moher N. (2018). *Psychiatric mental health nursing*. New York: Wiley & Sons.
- Moyidfar, S., & Zahani, Gh.A. (2005). Examination the amount of job dissatisfactory of teachers and its social causes (case study of Neishabour's teachers). *Journal of Iran sociology*. 1(6): 135-150. [in Persian]
- Muntean, A., & Munteanu, A. (2011). *Violență, trauma, reziliență, Iași: Polirom*.
- Navidi. A., & Barzgar, M. (2015). Methods of promoting the social status of teachers, *Journal of Education*, 2(14): 72-96 [in Persian]
- Shayan-Mehr, A.R. (2010). *The encyclopedia of social sciences*, Tehran: Keihan. [in Persian]
- Shokouhi-Yekta, M.; Zamani, N., & Javadi-Asayesh, S. (2012). Tracking the impact of cognitive-behavioral educations on controlling the violence among the teachers of students with mental disabilities, *Journal of New Educational Thoughts*, 4(26): 41-48. [in Persian]
- Yari-Gholi, B.; Herfati-Sobhani, M.; Ghasabzade, J.; Sivanizade, F., & Rahimi, H. (2019). Teachers' perception of violence consequences and solutions for decreasing it in schools, *Journal of Social- Cultural Strategy*, 6(24): 77-108. [in Persian]